پرچم

د افغانستان د خلک د موکراتیک افکارو خپرونګی
۲۳ جدی ۱۳۴۷

رویدادهای مهم
جهان در هفته گذشته

بروسل: انجمن بین المللی حقوقدانان دموکراتیك طی مکتوبی عنوانی سر منشی ملل متحد ، زمامداران اسرائیل ورئیس جمهور لبنان، خشم خودرا راجع به حمله تحریك آمیز اسرائیل بر میدان هوائی بیروت اظهار داشتند . انجمن این عمل اسرائیل را تخلف صریح از منشور ملل متحد و اصول حقوق بین الدول خوانده ، تقاضا می نماید که باید خسارات وارده از طرف اسرائیل جبران وفیصله نامه ۲۲ نومبر سال ۱۹۶۷ بمعرض اجرا گذارده شود .

* * *

ماسکو : جلسه مشاورتی نیروهای صلحدوست جهان راجع به ویتنام کار سه روزهٔ خود را به پایان رسانید . دراین جلسه که نمایندگان ۵۲ کشور و۱۹ سازمان بین المللی اشتراك ورزیده بودند ، راجع به پهلوهای مختلف جنگ ویتنام، طرق و شیوه های مبارزه بغرض اعاده صلح ویتنام بحث بعمل آمد. شرکت کنندگان پروگرام مشخص عمل را برای خاتمه دادن به تجاوز امپریالیزم در جنوب شرق آسیا طرح کردند.

* * *

بن: تمام سازمانهای مترقی آلمان غرب طی نامهٔ ئی از حکومت آلمان فدرال تقاضا نمودند که هرچه زود تر حزب نیونازیزم (حزب دموکرات ملی) را غیر قانونی اعلان کند ، زیرا اعضای این حزب عبارت از همان فاشست هائی استند که ۲۰ سال قبل جهان را بجنگ خونین کشانیدند ، فعالیت این حزب به ضرر استقلال و تمامیت آلمان است .

* * *

نیویارك :

یعقوب مالك نماینده دائمی شوروی در ملل متحد ، کانونسیون بین المللی ایرا به امضا رسانید که طبق آن مجرمین جنگ وعاملین جنایات علیه بشریت بدون در نظر گرفتن حدود مرور زمان تعقیب و مجازات گردند . اسامبله عمومی ملل متحد در بیست وسومین دوره اجلاسیه خویش این فیصله را راجع به مجرمین جنگ دوم جهانی به تصویب رسانید . تا هیچ کدام از جنایت کاران نازی بدون مجازات نماند .

* * *

نیویارك : اعتصاب بزرگ کارگران نفت امریکا آغاز گردید .

کارگران خواهان بیست فیصد ازدیاد مزد میباشند .

* * *

واشنگتن : به تعقیب اعتصاب کارگران نفت امریکا کارگران بنادر بحری مریکا نیزدست به اعتصاب زدند .

* * *

نیویارك : اعتصابات و مظاهرات پوهنتون سانفرانسسکو ادامه دارد. قرار معلوم این چهارمین بار است که پوهنتون باز وبسته می شود. در زد وخورد اخیر که بین محصلین وپولیس رخداد ، ۱۸ محصل و٤ نفر پولیس زخمی شدند.

رد اعلان شرکت نساجی افغان

جریدهٔ «خیبر» در شماره (۷جدی سال ۱۳۴۷) خویش ،اعلانی از شرکت نساجی افغانی انتشار داد . دریناعلان مذبوحانه تلاش کرده‌اند تا به اصطلاح آفتاب را با دوانگشت پنهان کنند و تظاهرات ، اعتصابات ومبارزات اقتصادی و صنفی هزاران نفر از کارگران ،دهقانان و روشن فکران وطنپرست ولایات کاپیسا و پروان را که بیش از یکماه ادامه یافت ، تحریك چند تن ، باصطلاح خود شان « اشخاص ناسالم و استفاده جو» وانمود نمایند .

ما یك بار دیگر خاطر نشان مینمائیم که مضمون متن «یك سند موثق»منتشرهٔ جریدهٔ پرچم، هنوزهم نو شته و سندیست موثق ویا برجا که امضاء کنندگان آن وکلا ووالیان کاپیسا وپروان بوده ویکی‌ازاسناد معتبر مبارزات قانونی و مسالمت آمیز کار گران گلبهار درین مرحلهٔ بشمار میرود . در مورد مقدمهٔ این سند ، پرچمداران دموکراتیك خلق افغانستان باز هم باشجاعت کامل پافشاری مینمایند که کار فرمایان شرکت نساجی افغان باتمام‌قوا از کلیهٔ وسایل ممکنه اعم‌ازتخویف ، تهدید، تطمیع ، تبلیغ، تفرقه‌افگنی واخراج کارگران استفاده کرده، به کمك بیروکراتهای فاسد ، متنفذین و مرتجعین محلی وبه شیوهٔ استبداد قرون وسطائی ، آرمانهای والای خلق کارگر ، خاصه زحمتکشان ولایات پروان و کاپیسا را زیر پا نهادند وحقانیت تظاهرات،اجتماعات و مبارزات مسالمت آمیز کارگران‌را غیر قانونی، نامطلوب وماجرا جویانه وانمود کردند وکارگران آگاه ونجیب راعلی رغم موازین قانون و ضد آزادیهای مصرحه در قانون اساسی کشور از کار اخراج و **عبدالقدوس کار گر شریف ووطنپرست** را که وکیل کارگران فابریکه نساجی گلبهار بود ،از کار طرد وبزندان افگندند که تاهنوز در قید و بند ارتجاع ،در دشوارترین شرایطی باسر بلندی و افتخار بسر میبرد .

پرچمداران دموکراتیك خلق با نشر «سند موثق» که قبلا به امضای وکیلان کاپیسا و پروان و یکعده از وکلای دیگر ولسی جرگه ووالیان ولایات مذکور ، مبنی بر قانونی بودن اعتصابات و مظاهرات کارگران ومطالبات شان و همچنان لزوم برکناری چهار تن از مامورین بزرگ نساجی ، به خوانندگان ارجمند خویش تقدیم کرده است ، ضرورتی باین احساس نمیکند که یکبار دیگر باتوجه‌بمتن‌پر ازتناقض اعلان نساجی واعترافات غیر شعوری آنموسسه به اجرای اعمال ضد قانون اساسی (بخصوص مواد۲۲و۱۰۳)،وضد حقوق وآزادیهای دموکراتیك کارگران در اعلان مذکور ، به توضیح بیشتر آنچه همه میدانند بپردازند .

لذا یکبار دیگر نبشتهٔ قبلی و متن «سند موثق» منتشره در پرچم راجداً تائید و به اعمال کار فرمایان نساجی افغان و متحدین شان اعتراض میکند واعلان شرکت نساجی افغان را رد مینماید .

زیار کښو ملګروته

ای‌ملګرو زماد عقیدې !
زماد غم په شپو کې ددېرې!
زما په‌ترل‌نو کې دامید،
خلکو په مور چل کې د جګړې !

* * *

لاس کې جلبونه د طوفان
پښو لاندې اسونه د خاد نې
هرقدم خطرد غرقیدو
شاوخوا او رونه د فتنې
هر آواز د تالندې دمرګ
هر نفس سرکښې ز لز لې
سر کې یرغلونه دېرې
ستر ګو کې بریښنا د غلبې

* * *

مره مشرق له شانه غلې غلې
خو کې را ښکا ریږي د لمبو
بیاد شپو وهلو غرو په خنډو
سره رڼا خو ریږي د سپیدو
پښو کې دېیرې داسیرانو
بند په بند خنځیر په متیدو
ورانو دیوا لو کې د بز ګرو
شور د آزادي په‌خو ریدو
شپه‌د لو هارې په نیړیدو
لمر د عدا لت‌په را ختو

* * *

مه‌بخښئ‌ء مونږ ای‌کارګروخلکو
مونږ لاکلوړیو دبخښلو
پاتې ستا سو لا ر کې لا په‌مونږه
حق د لو ګید لو ، سو څید لو
حق د تیریدو له خپله ژونده
سربازدی داور دچلو لو
حق دژو لنود شرنګو لو
حق دښکران دنوښولو !

سلیمان لائق

نرسهای وزیراکبر خان روغتون
دربرابر رویه نادرست آمران اعتصاب کردند

خبریال پرچم اطلاع میدهد که بروز (۱۸) جدی نرسهای وزیر اکبرخان روغتون دربرابر رویه نادرست آمران شفاخانه ، بعنوان اعتراض دست باعتصاب زده وبعداً بصورت تظاهر راه وزارت صحیه‌را در پیش گرفتند .

خبرمی افزاید که نرسهای وزیر اکبرخان روغتون مطالبات آتی را در برابر وزارت صحیه ارائه کرده اند :

« ـ تطبیق مادهٔ(۲۵) قانون اساسی که‌میگوید : «تمام مردم افغانستان بدون تبعیض در برابر قانون حقوق ووظایف مساوی دارند .»

ـ احترام گذاشتن بکرامت انسانی و حرمت نرسها،طبق‌قانون اساسی .

ـ باید آنعده اشخاص که‌خلاف احکام قانون اساسی، بر کرامت انسانی و حیثیت فردی نرسها تعرض نموده اند ، از آنان رسماً عفو بخواهند .

ـ اعادهٔ تمام‌حقوق قانونی‌نرسها، اعم از اعاشه ، البسه و غیره.

ـ تجدید نظر جدی در تشکیلات اداری روغتون و جلو گیری از بی عدالتی ها و سوء استفاده ها .

ـ جلو گیری از خویش خوریها و تبعیضات دیگر.

تاپر آورده شدن خواستهای ما، ما نرسهای وزیرا کبرخان روغتون کما فی‌السابق بوظیفهٔ مقدس خویش ادامه‌داده و در صورت رد شدن‌این خواستهای ضروری وقانونی بغرض حصول‌حقوق حقه‌خود به‌اجتماعات واعتصابهای قانونی طبق مادهٔ سی‌و دوم قانون اساسی دوام خواهیم داد.»

رویه غیر عادلانه وضد قانونی
در مورد عبدالرؤف (زلمی) کارگر مطابع دولتی

خوانندگان ارجمند پرچم بدرستی میدانند که نخستین امواج جریان پیشتاز نهضت کار گری کشور که‌همزمان بابرگزاری روز اول می (ثور ۱۳۴۷) آغاز شد، در اندك‌مدت‌سراسر کشوررا فرا گرفت‌و کارگران حوزه های‌مختلف کارگری برای‌احقاق‌حقوق مسلم اقتصادی خویش بیك ـ سلسله اعتصابات و تظاهرات‌قانونی‌دست زدند.

کار گران شریف و زحمت کش مطابع دولتی هم بتاسی از ین سنت قانونی کارگری، بغرض تأمین حقوق اقتصادی خویش، دست به اعتصاب زدند. ریاست مطابع خواستهای کارگران را در همان وقت تائید کرد ووعده داد که درراه بر آوردن آن مجاهده مینماید . پرچم نیز این جریان را با تعهد ریاست مطابع باطلاع مردم رسانید. چنانکه‌ریاست مطابع برای تأمین مطالبات کار گران بیك سلسله اقدامات رسمی نیز دست زد، که‌این خود حقانیت و قانونیت خواستهای کار گران را تائید میکند.



بناغلی عبدالرؤف زلمی

معهذا مقامات امنی (!) دستگاه حاکمه، خلاف ارزشهای دموکراتیك قانون اساسی و قانون کار و کارگر، یکتن از کار گران جوان و صدیق شعبهٔ صحافی مطبعه، بناغلی عبدالرؤف (زلمی) را، بدون حکم محکمهٔ با صلاحیت بعنوان محرك(!) اعتصاب زندانی ساخت. (زلمی) بیشتر از هفت ماه درسلول زندان بسر برد، تابالاخره بدون اینکه بصورت علنی محاکمه شود ومطابق به حکم قانون اساسی عمل گردد، بصورت خود سرانه ومضحکه آمیزی بعد از گذشتاندن بیشتر از **هفت ماه** درزندان به سه ماه حبس ودو هزار افغانی جریمه نقدی محکوم وبقید ضمانت‌اززندان‌رهاگردید.ولی هنوزهم سر نوشت او در جریان این طرز العمل ضد قانونی و غیر دموکراتیك نامعلوم ومجهول است.

((جبهه ملی))

بروز چهار شنبه (۱۸) جدی نخستین شمارهٔ جریده ئی بنام «جبههٔ ملی»بامتیاز و مسؤولیت بناغلی عبدالرب اخلاق در کابل نشر شد.

پرچم : آرزو میکند که این‌جریده واقعاً بتواند مطابق به عنوان خود ، از ایجاد جبههٔ متحد دموکراتیك‌ملی واقعی ضد ارتجاع وضد امپریالیزم پشتیبانی کند ودر راه اتحاد تمام‌نیرو های صدیق ملی ودموکراتیك، ترقیخواه ووطنپرست سهم مثبتی ایفا نماید .

اسناد شورای صلح...

ـ بکاربردن پالیسی‌مذاکره‌بغرض حل اختلافات‌بین‌ملتها، بجای‌سیاست زور.

کمیته رئیسه شورای جهانی صلح ،امروز یك بار دیگر ایمان راسخ خودرا باین‌اصول اعلان‌میدارد وخود را مکلف میداند که اصول مذکور را حفظ وتقویه نماید .

هرکسی باین اصول وهر یك از مقاصد این جنبش موافقت دارد ، میتواند بدون تبعیض و استثنا، با مساوات تام با دیگران درآن سهم بگیرد .

چه در داخل وچه در خارج‌جنبش نظرات زیادی‌وجود دارد . هرکسیکه ز صلح پشتیبانی می کند میتواند نقاط نظر خود را آزادانه و بدون قید و شرط پیش کند . جنبش‌صلح پیوسته سعی می ورزد همکاری خود رابا تمام ساز مانها ونیرو های دیگر صلح تقویت بخشد . هرنوع ابتکار در راه عمل مشترك بخاطر صلح را تشویق وپشتیبانی می نماید . به رهنمائی این اصول است که جنبش صلح در سراسر جهان پهن گردیده است .

جنبش صلح به مردمانیکه علیه اشکال مختلف ستمگری مبارزه میکنند هرجا که باشند نیرووامید تازه می بخشد و افکار عامه را بحیث آله عمده عمل آن تقویت می نماید .

نظر به پرابلم هائیکه به‌آن مواجه میباشیم بر انگیختن افکار عامه جهان درهیچوقت دیگر به اندازه امروز یك امر ضروری نبوده است .

مبارزه قهرمانانه مردم ویتنام در شمال وجنوب ، که از پشتیبانی افکار عامه جهان بر خوردار است ، در قطع بمباردمان بر تمام خاك جمهوری دموکراتیك ویتنام به پیروزی درخشانی علیه متجاوزین نایل گردید .

ولی هنوز کار های زیادی در پیشروست که باید اجرا شود .

تنها با بیرون کشیدن مکمل‌قوای ولایات متحده امریکا و متحدین آن وبرسمیت شناختن کامل‌جبهه آزادی ملی بحیث‌نماینده مردم ویتنام جنوبیست که مردم ویتنام میتوانند حق تعیین سر نوشت آینده شانرا بدست آورند .

مسلح کردن مجدد آلمان فدرال، وامتناع آن کشور از شناسائی سر حدات فعلی وانکار از وجود دو آلمان وپشتیبانی ایالات متحده‌امریکا و دیگر کشور های عضو ناتو از موقف آن علت اساسی کشیدگی اوضاع در اروپا میباشد که رشد نیونازیزم و ادعا های ارضی علیه دیگر کشور های اروپائی و سر باز زدن از امضای قرار داد منع انتشار سلاح ذروی به وخامت آن افزوده است .

خاتمه‌دادن‌باین سیاست مانع عمده‌ئی را از سرراه آغاز یك دوران صلح در اروپا از بین خواهد برد و حصول یك سیستم امنیت دسته جمعی را توأم با انحلال همزمان اتحادیه های نظامی ممکن خواهد ساخت .

در شرق میانه اشغال سر زمین های مربوط به کشور های عربی از طرف اسرائیل که در نتیجه جنگ ۱۹۶۷ تصرف نموده است، اخراج مهاجرین و شکنجه نمودن اعرابیکه درمناطق تحت‌اشغال‌بسر میبرند، بشدت سابق ادامه دارد .

بغرض جلو گیری از تصادمات جدید ضروریست که فیصله نامه ۲۲ نومبر سال ۱۹۶۷ شورای امنیت که بیرون کشیدن قوای اسرائیل رااز مناطق تحت اشغال و اتخاذ تدابیرجهت حفظ حقوق وامنیت تمام دول و ملل این منطقه را تقاضانماید بطور مکمل اجرا گردد.

مردم آسیا ، افریقا وامریکای لاتین در مبارزه‌شان علیه امپریالیزم بخاطر آزادی خویش از بقایای استعمار با تمام اشکال آن نیازمند پشتیبانی میباشند . بخصوص مردم امریکای لاتین در مخالفت شان با دکتاتوریهای ارتجاعی ایکه منافع امپریالستی ایالات متحده امریکا بر آنها تحمیل می نماید ، درافریقا، خاصتاً در قسمت های جنوبی آن قاره ، در مبارزه بارژیمهای نژاد پرست واستعماری ایکه از طرف نیرو های امپریالستی پشتیبانی می شوند ،و مردم آسیا در مبارزه علیه تجاوز مستقیم امپریالیزم، نیاز مند کمك میباشند .

برای پیروزی در تمام اینها و بسیاری مسایل دیگریکه برای صلح اهمیت حیاتی‌دارد، حداعظم وحدت عمل وتفاهم متقابل ضروریست .

گرچه بین پشتیبانان صلح اختلاف در نقاط نظر وجود دارد، ولی کار کردن به خاطرصلح در انحصار هیچ کدام از آنها نیست از آنجائیکه اهداف مشترك است اختلاف در بر خورد مانع موافقت‌راجع به‌فعالیت مشترك نمیگردد .

مباحثهٔ آزاد منجر به تفاهم‌متقابل واهداف مشترك‌منتج به عمل‌مشترك میگردد .

شورای جهانی صلح همیشه باین روحیه کار کرده است . شورای جهانی صلح‌بغرض مقابله با پرابلم‌های مبرم روز از تمام سازمانها، گروپها و افرادیکه برای صلح کار میکنند دعوت‌می‌نماید که دستهارابهم بدهند.ودر تشکیل یك اسامبله‌بزرگ جهانی برای صلح که در جون سال ۱۹۶۹ در برلین دایر خواهد شد و طرق همکاری وعمل مشترك بین نیروهای صلح را مورد بحث قرار می‌دهد ،سهم بگیرند .

از همه اشتراك کنندگان‌استقبال می گردد. به همهٔ آنهاهای جای و فرصت‌مساوی‌داده‌می‌شود تانقاط‌نظر مختلف خودرا اظهار دارند .

بیائید برای تفاهم متقابل تامین وحدت بین خود ، بخاطر اهداف بزرگیکه‌متضمن‌آرزوهای‌صلحجویانه بشریت است ،همکاری نمائیم .

«کمیته رئیسه شورای جهانی صلح . لاهیتی (فنلند) ، ۱۳ نومبر ۱۹۶۸»

پرچم

دامتیاز خاوند او مسؤول‌مدیر : سلیمان لایق
پته :زرلښت مارکیت محمدجانخان واټ
د تیلفون لمبر : ۲۳۱٦٤
دیوې ګڼې بیه ۲٫۵۰ افغانی

دولتی مطبعه

د قندهار په ښار کښې مظاهره

د پرچم خبریال دقندهار له ښارخخه خبر راکوی چه دپنجشنبې په ورځ دجدی‌په۱۹ نیټه دخمکودسرویدښونځی باشعوره زده کونکو دخپلو قانونی غوښتنو دلاسته راوستلو په‌مناسبت دتیرو قانونی اقداماتو په‌لړ کې په اعتصاب اومظاهره لاس پوری کړ. ددی مظاهری تفصیل به په راتلونکی ګڼه کې خپور شی.

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

عمر فیض- کلکسیون پرچم اهدا برای آن هایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

شماره چهل و سوم دوشنبه ۲۳ جدی ۱۳٤۷ ۱۳ جنوری ۱۹٦۹

نیروی دموکراتیك خلق افغانستان با ایمان راسخ و شجاعت کامل اعلام میدارد که تمام نیروهای صدیق ملی و دموکراتیك، ترقیخواه ووطنپرست افغانستان میتوانند:

بدون غرور وبلند پیروازی شخصی، رهبری ، سازمانی وایدئولوژیکی ؛
بامؤقف آزاد و مستقل ملی وبدون دنباله روی و اشاره ودستوراین‌وآن نیروی ارتجاع داخلی و خارجی وطرفگیری ضد ملی ؛
به شیوهٔ جرگه های ملی ، ولسی ووطنی ؛
بر اساس مصالح عالیه ملی‌وتوده های وسیع‌خلق مادر وطن عزیز ما افغانستان واحد ، آزاد و مستقل ؛
در چوکات اخلاق عالیه ملی مترقی ؛
بخاطر استقلال‌ملی ، دموکراسی، ترقی ، آزادی وعدالت اجتماعی ؛
از طریق دریافت وجوه مشترك وتکیه بالای آن ؛
بوسیلهٔ طرح برنامهٔ عمل فوری وحداقل مشترك و پیکار عادلانهٔ مشترك ؛
وبالاخره با وحدت عمل ضدارتجاع ، ضداستبداد ، ضداستعمار کهن ونوین و ضد امپریالیزم ، به بحران افتراق و نفاق در میان خود خاتمه دهند ووحدت و اتحاد را تامین نمایند .

گشتمند

وضع تاسف آور تولید غله و پنبه در کشور

زراعت بمثابه یکی از شعب کلیدی تولید مادی نقش بزرگی رادر رشد تولید در ساحه های دیگر اقتصاد و رفاه مردم ایفاء مینماید ، زیرا در مرحلهٔ کنونی تکامل علمی وتکنیکی، زراعت (که مالداری نیز شامل آن میباشد) عملا یگانه منبع تولید مواد غذایی بوده وبراساس رشد زراعتی است که صنایع سبك ومواد غذائی بوجود میاید و رشد میکند ، اما وضع خیلی عقب مانده زراعت کشورما ، قادر به ایفای‌چنین نقش رشد یابنده‌ئی نمیباشد . با وصف اینکه افغانستان به اصطلاح «یك کشور زراعتی» محسوب میگردد وپایه اساسی اقتصاد آنرا تولید زراعتی تشکیل میدهد،ولی‌مشخص سیمای این اقتصاد یکپایه سطح‌نازل حاصلدهی کار و عقب ماندگی عظیم زراعتی است که با اینوضع صادرات کشور نیز (که‌هم اکنون ۹۰ فیصد آن مشتمل بر مواد زراعتی میباشد)، نمیتواند از لحاظ کمی و کیفی بهبود یابد .

از چندین سال به اینطرف علاوه برساحهٔ تحت زرع ، میزان حاصلات زراعتی نیز افزایش نیافته است که متاسفانه بموجودیت مالکیت ارضی ، رشد بطی و فقدان زراعت تشدیدی ومعمول بودن وسایل وشیوهٔ کهنهٔ مربوط به دو هزار سال قبل در زراعت کشور ، باعث پائین آمدن سطح حاصلات زراعتی گردیده‌است.

زراعت د رافغانستان عمدتابشکل طبیعی و ابتدایی آن تاکنون باقی‌مانده است . همانطوریکه صد ها وهزاران سال قبل مردم ما فقط امیدوار به لطف طبیعت بوده اند ، اکنون نیز غالبا از آنقسمت ها برای کشت استفاده میگردد که بصورت طبیعی‌آماده باشد . درکتاب «سومین پلان پنجساله» درینمورد اعتراف میگردد که : « فعالیت های زراعتی اکثرا دروادی های دریاها و تراس‌ها بصورت عنعنوی و باکفایت تولیدی کمتر صورت میگیرد » ،

بدینجهت‌ازمجموع‌اراضی قابل‌زرع که در حدود ۱٤ ملیون هکتار یا ۲۲ فیصد مجموع ساحهٔ افغانستان میباشد ، کمترین استفاده بعمل میآید و سیستم آبیاری همان‌سیستم هزاران سال قبل است . از جملهٔ کلیه اراضی قابل زرع فقط ۵٫۳ ملیون هکتار آن تحت آبیاری قرار دارد که از آنهم بنابر اعتراف‌حکومت «نسبت فقدان وسایل کافی آبیاری اراضی» (کتاب پلان سوم) فقط ۲٫۹ ملیون هکتار آن سالانه کشت و آبیاری میگردد .

باوصف اینکه بیشتر از ۹۰فیصد اراضی زراعتی را کشت حبوبات و عمدتا گندم تشکیل میدهد چنانچه به تنهایی ۲٫۳ ملیون هکتار زمین‌یا ۸۰ فیصد مجموع ساحه ایکه‌سالانه آبیاری میگردد ـ گندم کشت‌میشود ولی مقدار حاصلات سالانه غله‌خیلی کمتر از مقدار مورد ضرورت مردم ماست .

بدینمناسبت همه ساله ۳۰۰ ـ الی ٤۰۰ هزار تن گندم به این کشوربه اصطلاح زراعتی از خارج واردمیگردد وهر‌گاه احتیاج روز افزون مردم را بادرنظر گرفتن ۱٫۷۵ فیصد افزایش نفوس سالانه در نظر گیریم‌وحاصلات سالانهٔ گندم را به معیار سالهای قبل قبول نمائیم (که با اینوضع امیدی برای بهبود و افزایش آن نیست) میزان این کسر از یکسال تاسال دیگر بیشتر میگردد . وضع در مورد جواری وبرنج‌وسایر غلجات که از مواد غذائی درجه دوم مردم ماست ، به یکفیصدی وتناسب‌دیگر، بدینمنوال است .

در مورد پائین آمدن سطح‌حاصلات زراعتی وبالا رفتن قیمت مواد غذائی بخصوص غله بهتر آنست که به استناد نشرات خود حکومت ودرینجا براساس‌نشریه‌وزارت‌پلان (پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی‌ـ سال ۱۳٤٦) نشاندهیم که : « خرابی حاصلات و قلت مواد غذائی درسال‌های ۱۳٤٤ و ۱۳٤۵ صعود قیمت مواد غذائی را بیشتر ساخت .. .» درین نشریه سپس ادعا میشود : «حکومت در پلان سوم قدامت اولی‌زا به انکشاف‌زراعت داده وسعی‌جدی‌تر به انکشاف زراعت در جریان‌است».

واقعا دلچسپ است که باوصف «توجه بیشتر حکومت به انکشاف زراعت » بطور مثال حاصلات پنبه‌از سال ۱۳٤۲ به اینطرف بالترتیب‌از ۱۲۰ هزار تن به ۷۹ ، ۷۵ ، ٦۱ وبالاخره درسال ۱۳٤٦ به ۵۷ هزار تن پائین آمده است ، یعنی تقریبا ۵۰ فیصد در تولید پنبه از سال ٤۲ تا ٤٦ تقلیل رونما گردیده‌است. به اینصورت این ادعاخیلی‌درست(!) خواهد بود که از طرف حکومت «سعی جدی‌تر به انکشاف زراعت در جریان است» ! . دلچسپ‌تر اینکه تولید پنبه درسال اول‌پلان پنجساله سوم (۱۳٤۵) ـ ٦۹ هزار تن ودر سال دوم آن (۱۳٤٦) ـ ۸٤هزارتن پیشبینی گردیده است و بهمین ترتیب برای سالهای آینده رقم های بزرگتر قید و پیشبینی شده است که در سال اخیر پلان (۱۳۵۰) به اندازهٔ ۱۱٦ هزارتن پخته بظرفیت بیشتر از یکصد هزار تن پنبه خام ودستگاهای تیل کشی بظرفیت پروسس بیشتر از ۷۰ هزار تن پنبه‌دانه در سال ساخته شده ویا درحال ساختمان است .

درکتاب پیشرفت پلان ـ سال ۱۳٤٦ در زمینه کسر فاحش حاصلات پخته‌گفته میشود « . . . حاصلات پنبه که قیمت ان باقیم‌مواد غذائی رقابت کرده نمیتوانست‌پایان

(ص ۲)

ببرک کارمل

دوحدت او اتحاد د تامین
ضرورت

زموږ په وطن کې‌دضد ملی اوضد دموکراتیك اوسنی حاکمه نظام له‌استقرار نه کلونه تیریږي ، او ددی په‌اوږ کې دافغانستان د وطنپالونکو او ترقی غوښتونکو قوتونو له‌خوا، ددی استبدادی نظام دطردولو اودیو ملی دموکراتیك نظام داستقرار لپاره پراخ مجاهدات شویدي. مګر له بده‌مرغه تراوسه پورې‌دی ټولو مجاهداتو ماته کړیده او ارتجاعی حاکمه طبقه هماغه راز خپل‌جابرانه تسلط ته‌دوام ور کوي .دلته‌یوه پوښتنه پیداکیږي چه ددې مجاهداتو په جریان کې د وطنپالونکو او ترقی غوښتونکو دماتی علتونه څه دی؟

باید وویل شي چه ددی مقالی‌هدف ، د ترقی غوښتونکو اووطنپالونکو قوتو نو دنه کامیا بیدو دټولو عینی اوذهنی عللو او عوا ملوطرح نده، بلکه‌دلته دپورتنی‌پوښتنی په ځواب کې یوازی ددی مسالی یو مهم عامل دراتلونکو مفصلو بحثونولپاره دمقدمې په‌حیث څیړو.

دادنه کامیابیدو او ماتی مهم علت‌چه زموږ په‌هیواد کې یې دمرتجعواو مستبدو حاکمه قدرتونو عمراوږد کړیدی، هغه انشعاب، افتراق‌او نفاق‌دی چه دهیواد دملی اومترقی نهضت‌په بهیر کې دترقی غوښتونکو او وطنپالونکو قوتو نو تر مینځ پیداشویدی.

مشهوره ده چه (اګوست بیل) په۱۹ پیړۍ کې‌دآلمان دکارګری‌نهضت‌او د سوسیال دموکرات ګوند یو مشهور لارښوونکی په را یشتاك(دآلمان پارلمان) کې،په ناځاپی‌توګه‌دمجلس دښی لاس دنمایندګانو له چکچکو سره مخامخ شو.ده‌چه‌انتظارنه در لود دپارلمان مرتجع وکیلان‌ده وینا تائید کاندی له ځان سره یې په لوړ آواز وویل: «ای احمقه بوډا! بیادی څه ګلان کرلی دی چه داختاوران خوښی کوی.»

واقعیت دادی چه کله کله کیدی شی ددښمن له عکس‌العمل نه په حقیقت پوه شو.

اوس ټولوته ښکاره ده چه‌په‌ملی اوبین‌المللی عرصه کې ټول ارتجاعی حاکمه محافل او امپریالستان څنګه په مترقی اوملی نهضت کې داختلاف له وجود نه‌خوشحاله دی اوله هغه نه پخپله ګټه بهره اخلي.

داطلاعاتو او حقائقو سره سم همدا اوس دافغانستان حاکمه قدرت پرله پسې په دولت کې اوله هغه نه دباندی دامپریالستانو په‌توګه په‌ټول قوت او ضد انسانی شیونو په ټولو وسائلو هڅه کوی چه‌دهیواد دترقی غوښتونکو او وطنپالونکو قو تونو تر مینځ اختلاف، انشعاب، تفرقه او نفاق زیات زور اوډیر شدید کړی‌او دهغوی تر مینځ وحدت او اتحاد ناممکن ګاندی اوله خوشالی نه‌ورته وناځي . هغوی هره ورځ فعالیت کوی چه دتفتین، جاسوسی ، افشا ګری، او دآزادی غوښتونکو او وطنپالونکو په صفونو کې درواغ راز ، تورونو او بی‌اعتمادیو د خپرولو په وسیله دخپل عمر دبقا لپاره حداکثر استفاده وکړی، داځکه چه حاکمه ارتجاعی قدرت دا تجربه

(۲ مخ)

وزیر پلان چه میگوید...؟!

(از بیانیه بناغلی عبدالصمد حامد وزیر پلان در ایام جشن استقلال ـ شماره ۲۱ و۲۲ سنبله ۱۳٤۷ روز نامه اصلاح)

ـ « باحصول استقلال سیاسی، بحیث شرط اساسی جهت تثبیت استقلال اقتصادی امکان آغاز به اقدامات انکشافی بمیان آمده . »

سوال: شگفت انگیز است! پس از پنجاه سال که از احراز استقلال سیاسی کشور میگذرد ، اکنون‌فقط « جهت تثبیت استقلال اقتصادی ، امکان آغاز به اقدامات انکشافی » بوجود آمده است . پس ادعا های‌که دربیانیه‌ها ونشرات‌حکومت ، منجمله درین بیانیه بناغلی وزیر پلان مبنی برانکشاف اقتصادی وغیرهٔ صورت گرفته است ، چگونه صدق پیدا کرده میتواند ؟

ـ « بصورت مقایسه با اکثر دول‌هم سویه میتوان خصوصیت انکشاف کشور را در این ملاحظه نمود که در طول اینمدت حکومات وقت بشکل مبتکرانه و فعال قیادت این حرکات انکشافی را بعهده داشتند .»

سوال : هر گاه منظور از اکثر کشورهای همسویهٔ افغانستان برخی از کشور های مستعمره‌ونیمه مستعمره سابق آسیایی ، افریقائی وامریکای لاتین باشد ، باید گفت‌که از‌یکطرف این کشور ها در زیر یوغ استعمار وحشیانه کشور های استعمارگر و تحت پاشنهٔ آهنین حکومات مطلقهٔ غیر ملی و سیستم‌های از لحاظ اقتصادی و سیاسی وابسته به امپریالیزم ، از رشد سریع اقتصادی باز مانده‌اند ، مقایسه افغانستان با آنها خود اعتراف به‌این امر است که کشور ما نیز در تحت چنین شرایطی نتوانست راه تکامل سریع اقتصادی را در پیش گیرد . وازجانب دیگر آیا صحیح است که رشد بطئی و محدود جامعه را ناشی از ابتکار وقیادت حکومات وقت دانست ؟ حقیقت امر اینست که حکومات وقت غالبا از پنجاه سال به اینطرف که از استقلال سیاسی کشور میگذرد ، به نمایندگی از طبقات حاکمهٔ ، مانع رشد اقتصادی کشور گردیده اند ، نه محرك رشد آن . بدینجهت اکنون افغانستان در آخرین صفوف کشور های کمرشد وعقب ماندهٔ جهان‌قرار دارد . هرگاه حکومات ملی و مترقی در کشور ما ، درینمدت استقرار میداشت امکانات وسیع برای رشد سریع اقتصاد و فرهنگ جامعه میسر بود ، چنانچه حکومات ملی در کشور هایی چون کیوبا ، جمهوریت عربی متحد ، سوریه ، برما ، الجزایر و غیره در مدت خیلی کوتاهتر توانستند راه‌را برای رشد سریع اقتصاد و فرهنگ جامعه هموار سازند .

پس سوال درینجاست که منظور از کشور های هم‌سویه کدام‌ها اند که با مقایسهٔ آنها حکومات وقت افغانستان بشکل « مبتکرانه وفعال قیادت حرکات انکشافی را بعهده داشتند »؟

ـ « باید در نظر داشت که‌تمدن امروز جهان شمول غرب که‌انکشاف مدرن اقتصادی در چوکات آن‌میسر است ، دیروز برای ما کاملا یك احساس بیگانه بود و بر خورد خاصمانه و تجاوز کارانه نمایندگان دیروز آن موقف منفی مردم ما رادر مقابلش بازهم شدیدتر میساخت و حتی امروز هم برای بعضی مردم ما فهم‌آنرا دشوار میگرداند . »

سوال : وضع موجود کشور های کمرشد جهان وبخصوص تجارب آن کشورهائیکه رشد اقتصادی را از طریق غیر سرمایه داری در پیش گرفته اند ، ناصحیح بودن این‌ادعای بناغلی وزیر پلان را که میگوید: « انکشاف مدرن‌اقتصادی » درچوکات «تمدن امروز جهان شمول غرب میسر است» ثابت میسازد. «تمدن امروز جهانشمول غرب» که‌دربدل قربانیهای عظیم بشریت تحت ستم و فشار و خون ملیونها انسان کشور های آسیایی، افریقائی و امریکای لاتین بدست آمده و هنوز بوی خون و گوشت میدهد ، استقرار آن دیگر برای هیچ کشوری حتی کشور های غرب میسر نیست .

اعتراف صحیح است که بر خورد مخاصمانه و تجاوز کارانه غرب «متمدن» باعث برانگیختن قهر مردم در برابر آن گردیده است و باید چنین باشد ، اما این طرفه‌رفتن که«تمدن امروز جهانشمول غرب» « دیروز برای‌مردم ما یك احساس بیگانه بود» چه معنی دارد ؟

ـ « در اثر رجوع بیشتر مردم بمعارف و تشویق حکومات وقت، توسعه معارف بیش از تخمین پلان دوم صورت گرفت و تعداد متعلمین دوچند شد و همچنین تربیه یکتعداد زیاد کارگر ماهر در چوکات پروژه‌ها قابل تذکر است .»

سوال : موجودیت ملیونها کودك وهزاران هزارجوان که‌باتحمل‌مشکلات ومحرومیت‌های عظیم‌آمادهٔ فراگرفتن تعلیمات ابتدایی و ادامهٔ تعلیمات عالیتر هستند ، نشاندهندهٔ این

(ص۲)

په پښتونستان کې توره هفته پای ته
ورسیده

لـه‌پیښور نه راز سیدلی خبرونه وائی چه‌د نشنل عوامی‌پارټی له‌خوا اعلان‌شوی توره هفته په پښتونستان کی پای ته و رسیده .

نشنل عوامی پارټی دمشر خان عبدالولی خان ، دګوند دعمومی ناییب مشر ترښاغلی اجمل خټك اود سر حدد نشنل عوامی پارټی‌د صدر ښاغلی ارباب سکندرخان او نورو مشرانو دبندی کیدو په‌ضد دا حتجاج په‌توګه دسمبر

له ۲٤ نیټې نه په ټول پښتونستان کی توره هفته اعلان کړی وه .

په‌دی هفتی کی د نشنل عوامی پارټی له‌خوا د پښتونستان بیلو بیلو برخو ته هیئتونه استول شوی‌وو. په‌دی هفتی کی چه دپښتونستان دخلکود پاره ئی دملی ماتم‌حیثیت درلود دپښتونستان په ټولو ښارونو کبنی جلسی او جلوسونه روان وو. په جلوسو کی دنشنل عوامی پارټی د مشرانو

لـه‌خوا په پښتنو او بلوڅو باندی دپاکستان د حکومت له‌خوا د ظلم او ستم په باره کی‌خبری‌اترې وشوی او د پښتونستان په‌موضوع باندی رڼا واچوله‌شوه.

په‌هره جلسه او په‌هر جلوس کښی د پښتونستان دملی مشر خان عبدالغفارخان په طرفداری نارې وهل کیدی .

خلکو دنشنل عوامی پارټی د منشوراو دخپلو اصولو دپاره د آزادی او دموکراسی غوښتنه کوله . رسیدلی خبرونه وایی چه په پښتونستان کی د کوچنی اختر ورځی هم دماتم داختر په نامه ونمانځل شوی .

مور له‌خپلو پښتونستانیانو خلکواو وروڼوسره خان‌پدغه‌ماتم کی‌شریك بولو اوداغ ور کوو چه‌هیڅ کله‌به‌دوی د ژوند پدغه‌ترخو ورځو کی یوانځی پری نږدو .

بارق شفیعی

هنر و نقش آن در زندگی

و مبارزهٔ اجتماعی

از نظرگاه جهانبینی علمی

-۲-

هنر وقتی با او تار احساسات لطیف انسان بدرستی در می‌آمیزد و آهنگ محبت اورانسبت بخودبگرمی بر می‌انگیزد که بتواند مطالبات هنری اشرا ارضا نماید، آنرا رشد وتکامل دهد، برای خویش در قلب وروحش جاجالی کندوآنرابه‌عشق کارومبارزه برای تأمین رفاه، آزادی وآبادی جامعه به تپش وتلاش در آورد. اما این امر میسر نیفتد مگر آنکه بتواند بزیبائی در دنیای خارج، در واقعیت خارج دست یابد، آنرا تعمیم دهد، چون نمونهٔ هنری بجلوه در آورد و بشکل هنری به او انتقال دهد.

معهذا این هنر ،تا هنگامی فرزند صالح، همسفر صدیق ورهنمای روشن‌بین جامعه است که استنباط زیبائی ازدنیا خارج، تعمیم، و جلوهٔ نمو نه‌وار هنری اش بوسیلهٔ آن وانتقالش بشکل هنری‌بدیگران، باتکامل واقعیت عینی جامعه درانطباق باشد وباجریان واقعی تکامل در تضاد نیفتد، که متا سفانه در جامعهٔ طبقاتی همیشه چنین نیست وپدیده های هنری بیشتر ممثل حقیقت‌نبوده وعلی‌الاکثر تحریف واقعیت‌بسودمنافع‌طبقاتیست. زیرا : «در جامعه طبقاتی شعور اجتماعی بهر شکلی که تجلی کند، **خصلت‌طبقاتی** پیدا میکند . مجموعهٔ نظریات وافکار سیاسی ، حقوقی، اخلاقی،هنری ...طبقه‌معین‌**ایدئولوژی** اورا تشکیل میدهد... طبقات انتاگونستی جامعه بهیچوجه موقعیت یکسان وهمانندی ندارند. در برابر آنها هدفها ووظائف‌اجتماعی مختلفی قرار دارد. این یاآن طبقه بوسیلهٔ سیستم معین نظریات خود، مو قعیت خودرا در جامعه منعکس می سازد وپایه گذاری میکند، بدفاع از منافع خود برمیخیزد، میکوشد هدفهای خودرا تحقق بخشد ووظائفی را که دربرابر آن‌قرارگرفته انجام‌دهد ... بدین ترتیب در جامعهٔ که به طبقات متخاصم تقسیم شده اید ئو لوژی واحدی نمیتواند باشد.در آنجالزوماً هم ایدئو لوژی طبقات استثمار گر وجود دارد وهم اید ئولوژی طبقهٔ استثمار شونده ، در حا لیکه ایدئولوژی مسلط در جامعه، ایدئولوژی طبقه ایست که از لحاظ اقتصادی وسیاسی حکو مت میکند. مبارزهٔ ایدئولوژ یك یکی از اشکال مبارزهٔ طبقاتی است که همسفر همیشگی جامعه ایست که در آن طبقات متخاصم وجود دارد.»

بنا برآن هنر نیز، که در جا معهٔ طبقاتی در خدمت تعمیم وتأمین اید ئو لوژی این ویا آن طبقه در می‌آید، **خصلت طبقاتی** کسب میکند وبااین موضعگیری‌طبقاتی هنر،هرگز نمیتوان از «**هنرناب**» سخنی بمیا ن آورد ویا بفلسفه‌واهی «**هنربرای‌هنر**».

در حیات اجتماعی ودر جامعهٔ‌طبقاتی مصداقی پیدا کرد، هنر بخاطراینکه توانائی آنرا دارد که در ژرفای روان انسانی نفوذ کند، بر اندیشه ها اثر گذارد، احساسات را برانگیزد و بدسترس همه قرار گیرد، در عرصهٔ مبارزه ایدئولوژیك سلاح نیرو مند مبارزهٔ طبقاتیست وبهمین جهت هم هر طبقه به ایجاد هنری علاقمند است که بدرد تأمین منافع طبقاتی، ارضاء مطالبات‌هنری، غلبه واستحکام ایدئو لوژی اوبخورد .چو ن «ایدئولوژی مسلط در جامعهٔ طبقاتی ایدئولوژی طبقه ایست که از لحاظ اقتصادی وسیاسی حکومت میکند» لذا نقد رایج هنر نیز در بازار رقابتهای ایدئولوژیك به نفع متاع طبقهٔ حاکمه بدوران‌می‌افتد ونا زمانی اعتبار دارد که بنوبهٔ خود باسیر انکشاف نیروهای تولیدی ومناسبات مادی جامعه در تضاد واقع نشود، ولی همینکه در چنین موضعی قرار گرفت، یگر ارزش واقعی ندارد و عرضهٔ حقیقت فر ینندهٔ آن ، تقاضای تکامل واقعیت عینی را جواب داده نمیتواند واز سیر درنگ ناپذیر جریان تغییر زندگی اجتماعی عقب می‌ماند، زیرا طبقه ئی که این هنر نما یندهٔ ایدئو لوژی اوست ،نقش مترقی خودرا در جریان تکامل از دست میدهدودیگر منافع اوباپروسه واقعی تکامل در تضاد می‌افتد وجبرآبزوال میگراید . ولی این **عقب‌ماندگی** هنر بمعنی اضمحلال کامل آن نیست، بلکه هنر درین مرحله، مستقل از از جریان عینی تکامل به وجود خود ادامه مید هد و**استقلال‌نسبی** کسب میکند وطبقهٔ حاکم واستثمار گربرای حفظ موقعیت متزلزل خویش آنرا بیشتر مورد استفاده قرار مید هد. اما چون این هنر که دورانش بسر رسیده ،توان انعکاس صادقانه واقعیت وایفای‌رسالت تاریخی‌خویش را از دست داده است ، نمیتواند عنا صر جد ید جریان نوین واقعیت زندگی اجتماعی

(ص ۳)

بسلسله حقوق اقتصادی و اجتماعی کار گران :

آسه مائی

بیمه‌های اجتماعی

-۱-

تامینا ت ا جتما عی سیستمی از مو از ینی است که تو سط جا معه اتخاذ میگردد تانیاز مند یها ی‌حیاتی افراد بر آورده گردد ،وسایل جبران بیکاری ، معیوبیت ، بیماری ،پیری حاملگی ، مر گ اعاشه کنندهٔ فامیل میباشد انواع مختلف تامینات و بیمه‌ها ی‌اجتما عی برای کار گران ما موران دو لتی وموسسات‌و سایر زحمتکشا ن میتواند وجود دا شته باشد. ولی‌موضوع بحث‌ما درینجا بیمه های اجتما عی برای کار گران میباشد . درافغا نستان بیمه ها ی اجتماعی برای طبقات واقشار محروم جامعهٔ‌ما ، بخصوص کار گران‌کشور وجود ندارد. چندمادهٔ‌ناقصی که‌درین مورد درقانون کار کهنه وعهد عتیق افغانستان گنجانیده شده‌است؟ نه تنها به هیچصو ر ت نمیتو ا ند نما ینده گی ازحداقل تامینات‌اجتماعی برای‌کار گران بنماید، بلکه موازین ناقص مز بور غیر عادلانه وبه نفع کار فر ما یان وصاحبان فابر یکات می باشد ، تا به نفع کار گران .

بیکاری بطور روز افزونی چون بیما ری مزمن وساری سر تا پا ی جامعه رافرا میگیرد ، اما دولت‌خودرا مکلف به تامین کار برای کارگران بیکار نمیدا ند وبیمه دربرابر بیکاری وجود ندارد.

تامینات اجتما عی بالاتر از همه مسایل حقوق تقاعد میباشد که از ازینطریق کار گران واعضای فامیل شان ، حقوق تقاعد در برابر پیری، معیوبیت ویامرگ اعاشه کنندگان فامیل رابدست میآورند.

ولی در افغانستان ،عملا ازحقوق تقاعد ، این عمده‌ترین‌شکل بیمه‌های اجتماعی اصلا خبر ی نیست .کارگر تاوقتیکه جوان‌است ونیروی‌کار وی زایل نگر دیده‌است مورد بهره‌کشی وحشیانه‌قرار میگیرد ، اما هنگامیکه تمام شیرهٔ جانش مکیده شد ونیروی لازم کار را از دست داد ،از کارگاه وفا بر یك رانده میشود ، بدو ن اینکه هیچگونه تامینی برا ی آیندهٔ خود و فا میلش دا شته باشد .

بیمهٔ صحی برای کارگران اصلا وجود ندارد ودر بعضی مو سسات هر کا ه مو جود باشد خیلی نا قص ومحدود است . کار گر هنگا میکه مریض میگردد. نه تنها ازطرف موسسه مربوط تحت تداوی قرار داده نمیشود، بلکه در ایام بیما ری علاوه برعدم دریافت مزد ، بطور ظالمانه از کار نیز اخراج میگردد .

موازین ناقصی که در قانو ن کار درافغانستان دربرابر معلولیت و صد ما ت وارده کار گران قیدگردیده است،فوق العاده غیرعادلانه‌میباشد. بطور مثال‌جبران خساره که درمقابل ازدست دادن هر دو پا،هر دوبازو و هردوچشم کار گر درا ثر انجام کار تعیین گردیده‌است‌بین‌حدا کثردوازده هزارو حد اقل چهار هزار افغا نی میباشد که هر گاه کار فرما حاضر شود چنین پولی رابپردازد حد اقل آن خواهد بود وآن صرف چهارهزار افغانی برای یکبار وهمیشه دربرابر ازدست دادن دو پا ، دو بازو و یا دو چشم ودو هزار افغانی دربرابر یك چشم‌میباشد.مثال‌دیگر:درصورت ازدست دادن تمام‌انگشتان هردوست خودیك کار گر میتواند فقطسه‌هزار افغانی بدست‌آوردودر برابرازدست دادن‌گوش‌خود،فقط یکهزار افغانی (اینهم در عمل بسته به لطف(!) کار فرما ست که حاضر به‌پرداخت آن باشد)، ودهها مثال دیگر.

منحیث بر سیپ بیمه ها ی اجتما عی عبارت از موازینی است‌که توسط آن‌قسمتی ازعواید ملی وقف نیاز مندی ها ی لازمی مردم‌میگردد خدمات مجانی وکمك های را که کارگران ازطریق‌بیمه های اجتماعی میتوانند دریافت دارند ، بطور قابل ملاحظه عواید واقعی بخصوص آنعده کار گران راکه مزدها ی‌شان کم‌است افزایش مید هد با تعقیب یك سیاست صحیح در مورد بیمه های اجتما عی امکانات آن بو جود میآید که نه تنها بااستفاده‌از و جوه اجتما عی سطح زند گی کار گران پیوسته ارتقاء یابد ، بلکه سویه‌های زندگی اقشار مختلف زحمتکشا ن بالنسبه همطر از گردد.

طبقه جوان کار گر افغانستان به پیشآهنگی تمام خلق‌کار گر کشور باید توأم بامبارزه برای‌ایجاداتحادیه های کار گری زمینه تامین بیمه‌های اجتماعی را مطابق به موازین و پرنسیپ های‌اصولی ودموکراتیك‌آن (که در شماره آینده طرح‌می گردد) تدارك به بينند .

از (ص اول)

وزیر پلان چه میگوید...

حقیقت است که حکومات وقت توسعهٔ معارف را تشویق نکرده اند واینکه گفته میشود تعداد متعلمین پس از مد تی دو چند شده است ، (ارائه چنین ار قام در شرایط‌کشور های عقب مانده ، بیشتر ما هیت عوامفریبانه دارد) ، همیشه بمعنی آن نیست که‌کار بزرگی انجا م گردیده باشد .بطور مثال : هر گاه دریکی ازولایات کشور علاوه بر موجودیت یك مکتب متو سطه ، یك متو سطهٔ دیگر تاسیس گر دد وآنگاه اد عا شودکه تعداد مکاتب متوسطه دران ولایت دو چند شده است، آیا میتواند نمایندگی از تو سعهٔ سریع معارف نماید ،در حالیکه حد اقل در ولایت مر بوط شاید ده ها مکتب متوسطه ضرورت باشد ؟

این‌امر صحیح است که در چوکات پروژه های بزرگ پلان دو م یکتعداد زیاد کار گر ما هر تر بیه گردیده است ، اما سوال جد ی دراینجا ست که سرنوشت‌این لشکر کار گران ما هر که اکنون بیکار اند چه‌میشود ؟آیا «پروژه های سر یع‌الثمر اقتصادی » شما میتواند اینهمه نیروکار مساعد ذخیره راجذب کند؟

از (ص اول)

وضع تولید غله و...

آمد ...» بلی ! در برابر قیمت های احتکاری خیلی بلند غله که بدلخواه ملاکین بزرگ فئودال ، سودخواران ومحتکرین دلال تعیین میگردد ، حکومت نه‌تنها قیمت ها را بطورموثر کنترول نمینماید ، بلکه خود نیزازین قیمت‌های احتکاری تبعیت کرده و بهترین طریق افزایش در حاصلات پخته را ، افزایش در قیمت خرید پخته دانسته است . چنانچه‌درکتاب پیشرفت پلان برای سال ۴٦ گفته میشود : « در قیمت پنبه برای زارعین در حدود ٤٠ فیصد و در قیمت پشم و قره‌قل ١٠ فیصدازدیاد تعیین شده است تا بدینترتیب مواد صادراتی زراعتی با حبوبات غذائی رقابت کرده بتوانند و طوریکه درسال ۱۳٤٦ واقع شد صادرات این اقلام تنزیل نه‌نماید».

نتایج نشان میدهد که واقعیت غیر ازین است ، زیرا اولا قسمت اعظم این عاید اضافی از طریق افزایش در قیمت پخته خام نه‌تنها بدست دهقانان نمیرسد ، زیرالمرهٔ کار آنها را عمدتاً زمینداران بزرگ، سودخواران و جلابان بغارت میبرند ودر برابر ، دهقانان مجبور خواهند بود که قیمت های بلندتر برای مایحتاج خویش به‌پردازند ، بلکه‌این امر مشکلاتی را برای صادرات پخته وتاثیر آن بر تولیدات نساجی نخی بار میآورد که باز هم مستهلکین — مردم آنرا خواهند پرداخت و ثانیاً هرگاه به اینوسیله در محصول‌پخته تاحدودی افزایش بعمل آید ، به اینمعنی خواهد بود که قسمتی از اراضی تحت زرع گندم وسایرغلجات وحبوبات تیل دار ، اکنون برای کشت پنبه تخصیص داده میشود و این امر تاثیر معکوس بر تولیدغله وبخصوص گندم دارد که در نتیجه موجب قلت و افزایش بیشتر قیمت آن میگردد .

وزارت زراعت‌باتمام عرض‌وطول، مصارف بزرگ ، تبلیغات وسیع ، تخصیص بهترین زمینهای زراعتی بنام فارمهای تجربوی و تحقیقاتی که دارای وسائل کافی میباشد ، اما ازآنها بیشتر استفادهٔ شخصی بعمل میآید — عوض آنکه حد اقل وسائل وطرقی را از قبیل پیداکردن وتعمیم انواع جدید پنبه دانه بذری دارای حاصلات زیاد ، بکار بردن اصول اگروتکنیك ، سیستم معقول آبیاری وتطبیق صحیح کود ، رهنمائی‌صحیح دهقانان به اصول زراعت وغیره وسائل ضروری را بکار برد تا حاصلدهی فی‌واحد زمین تحت‌کشت پخته افزایش یابد ، به چنین وسیله ساده وغیر موثر بغرض دفع‌الوقت دست میزند .

درچنین وضعی که دهقانان‌باقلبه‌های چوبی ، پارچه های کوچك‌زمین راکشت مینما یند و به ازدیاد محصول ، از آنجائیکه بر اساس سیستم مالکیت ارضی حاصل کارو دسترنج شان بخود آنها تعلق نمیگیرد ، نمیتوانند علاقمند گردند، وسائل و امکانات استفاده ازسیستم‌های معقول وعصری زراعت میسر نیست ، طبیعی است که حاصلات فی‌جریب در سطح نازلی قرارمیگیرد. درسال ۱۳٤٦ از مجموع اراضی تحت زرع که ٥٥ هزار هکتار زمین بودفقط ٥۷ هزار تن پنبه بدست آمده است ، یعنی از قرار فی‌جریب در حدود ۲۰۰ کیلو گرام واین پائینترین سطح حاصلدهی فی‌جریب زمین است در حالیکه در کشور های دیگر تقریباً باعین شرایط جوی و اقلیمی ، ترکیب خاك وغیره اما در شرایط اجتماعی و اقتصادی دیگری فی‌جریب زمین ٦۰۰ — الی ۸۰۰ کیلوگرام پنبه باجنسیت اعلی‌حاصل میدهد.

در خاتمه یکبار دیگر اظهارمیداریم (طوریکه در بارهٔ مسالهٔ ارضی قبلا درپرچم تحلیلاتی صورت گرفته و راه های حل علمی‌آن‌نشان داده‌شده است) تانظام اجتماعی — اقتصادی موجود کشور ملغی نگردد وسیستم منسوخ کنونی در زمینه ارضی ریشه‌کن نشود و اصلاحات اساسی وعمیق ارضی بنفع دهقانان و به اشتراك آنان ، بر مبنای جنبش دهقانی اجراء نگردد و تکنیك جدید زراعتی معمول نشود ، بشیوهٔ‌کنونی هیچگونه امیدی برای ارتقای تولیدات زراعتی براه نمیشود.

(دلوهږی مخ پاتی)

دوحدت او اتحاد تأمین ...

گړیده چه دترقی غوښتونکو او وطنپالونکو ،ملی او د موکراتیکو قوتونو یعنی(دخلکو ددوستانو)اتحاد او وحدت مستقیماً متنا سب دی دهغوی (دخلکو ددښمنانو) له‌طرد او اضمحلال سره.

مگر دملی اواجتما عی آزادی بخښونکو نهضتونو د تاریخ تجربه ښیی چه‌ستر هدف ته رسیدل یعنی په هیواد کی دستمگر او استثمار گر نظام‌پای‌ته‌رسول دترقی‌غوښتونکو او وطنپالونکو قوتونو دوحدت او اتحاد عنصر ته ضرورت لری. خوله بده مرغه دمبارزی ددی پرمختلونکو قوتونو دوحدت او اتحاد کارزموږ په هیوادکی،دنهضت داوسنی‌مرحلی په سرکبی په کلك بحرا ن اخته شوی دی. اودادی لپاره چه دهیواد ترقی غوښتونکی وطنپالونکی قوتونه ددی پرځای‌چه ستروملی او اجتماعی هدفونوته درسیدو لپاره د اشتراك بر وجوهو تکیه وکړی اوپه اوسنیو اوضاعو او احوالو کی دوحدت او اتحاد چاره مقدمه وشمیری، زیاتره دافتراق اونفاق وجوه په نظر کی نیسی او دعمل وحدت نفی کوی.

پەلوړ آواز اعلام کیږی چه:باید دی حیاتی‌او مهمی‌نکتی ته‌ژوره توجه وشی چه د ارتجاعی قوتونو دناخاپی یرغل اوتعرض دواقعی خطر پەمقابل کی، بی اعتنائی چه هره شیبه د رښتینو ملی اودموکراتیکو قوتونو په مقابل کی مقدور دی دیره ستره اشتباه ده.

لویه بدبختی داده چه‌دنهضت اوسنی انکشافات خومره چه دترقی غوښتونکو اووطنپالونکو قوتونو تر مینځ نفاق او افتراق را پیدا کړیدی ددی پەخلاف بی دحاکمه ار تجاعی طبقاتو ترمینځ دوحدت او اتحادزمینه پیاوړی کړیده. بایدوویل‌شی دحاکمه قدرت دناخاپی حملی خطر، لە یوی خوا دخلکو ددوستانو دهمدی افتراق او نفاق له کبله اوله بلی خوا دخلکو ددښمنانو (ارتجاع او امپریالیزم) داتحاد اوزیاتیدونکی هو ښیاری له کبله او ددی لپاره چه ورځ ترورځی دنهضت دضد تاکتیکونو په تجربو تجهیز کیږی ، ډیر زیات شوبدی.

ددی نفاق او افتراق مسلمه او طبیعی نتیجه داده چه دخلکوته ضرر رسیږی اودخلکو دښمنان گټه کوی. ددی لپاره چه ددی نتیجی د تحقق واقعی علت لمینځه لاړشی، ضرورت حکم کوی چه باید ژر تر ژره‌داوسنی افتراق او نفاق په بحران برښو او وحدت او اتحاد ته تأمین کړو.

دافغانستان دخلك‌دموكراتيك‌قوتونو په مبارزه کی دخپلی سختی ولی‌ویاړ جنبی وظیفی خخه ،دوحدت او اتحاد دتأمین په خاطردنرمی منونکو اصولو په چوکاټ‌کی‌خبردی اوله ټولووحدت طلبو او اتحاد غوښتونکو قوتونو سره به په شجاعت اوزړورتیا اوله اصولی گذشت سره یوځای خپل سهم پدی زمینه کی ایفا کړی.

موږ کلك ایمان لرو چه کیدی‌شی دملی اوولسی جرگو په توگه، دیو افغانی وحدت او اتحاد ترمیز را وخرخیږی اودگړووجوهودپیداکیدو، دحد اقل مشترك پروگرام دطرحی

دطرحی له لاری اودارتجاع، استبداد استعمار اوامپریالیزم پرضد دمشرك عمل اووحدت‌عمل پەوسیله‌دنفاق او افتراق په بحران باندی بری میسر شی.

* * *

یادداشت :

گران لوستونکی دی‌دپرچم‌متعددو گڼو ته چه دترقی غوښتونکو او وطنپالونکو ملی اودمو کر اتیکو قوتونو دوحدت اواتحاد دضرورت په باره کی یی په مستقیمه اوغیر مستقیمه توگه پەلس هاوو مقالی لیکلی دی، مراجعه وکړی. موږ‌به‌بیا هم دپورتنیو قوتونودوحدت او اتحاد به خا طر خبل علمی اومشخص بحثونه تعقیب کړو.

-۲-

اسناد شورای صلح جهانی

فیصله شورای جهانی صلح راجع به شرق میانه

این حقیقت که امپریالستهامجبور شدند بمباران خودرا بر جمهوری دموکراتیك ویتنام قطع نمایند و بوجود جبهه آزادی ملی ویتنا م جنوبی‌اعتراف‌کنند و آنرابشناسند، پیروزی بزرگی برای نیرو های‌صلح بشمار می رود . ولی اوضاع‌درشرق میانه روبه خرابی می گراید ونشان میدهد که این پیروزی معنی آنرا ندرد که امپریالیستها از سیاست تجاوز دست بردار شده اند . بلکه برعکس آنها به ستراتژی خود که مقصد آن افزایش کشیدگی در دیگر حصص جهان وبوجود آورد ن تصادمات محلی میباشد ، کما کان ادامه میدهند .

آنها تلاشهای خود را در راه مختنق ساختن جنبش آزادیبخش اعراب و بکار بردن اسرائیل‌بحیث آله اجرای این مقصد ، تعقیب می‌نمایند . از همین جهت است که ایالات متحده امریکا و آلمان غرب کمك های نظامی واقتـصادی شانرا پیوسته به اسرائیل زیاد میکنند . المان غرب اسرائیل‌را در مساعی‌اش برای ساختن یك سلاح اتومی فعالانه معاونت‌می نماید وبا درنظر داشتن همین‌سلاح است‌که اسرائیل از امضای قرار داد منع انتشار اسلحه ذروی سرباز میزند وباین صورت نیات متعرضانه خودرا هرچه بیشتر به اثبات می رساند . کیفیت اسلحه جدیدیکه برای اسرائیل‌تهیه گردیده پرده ازروی نقشه‌ئی بر می دارد که هدف آن تخریب مراکز صنعتی ، مناطق پر نفوس و تما م آنچه‌راکه کشورهای عربی بعد از احراز استقلال بدست آورده‌اند، میباشد .

حکومت اسرائیل از پذیرفتن نماینده ملل متحد بمنظور تحقیق شرایط اعراب‌در مناطق تحت‌اشغال، که بطور روز افزون مورد ستم قرار می گیرند ،امتناع می ورزد .

بیانات رهبران‌اسرائیل وهمچنان اعمالیکه از آنها سرمی زند ،خطریرا که از ناحیه اسرائیل وجود دارد بخوبی آشکار می سازد . اسرائیل پیوسته مرتکب تجاوز می شود . باید نیرو های صلح جهان از چنین تجاوزات جلو گیری‌نمایند و فعالیت شانرا در راه از بین‌بردن آثارتجاوز ماه جون ۱۹٦۷ توسعه دهند .

دول عربی که به تاریخ ٥ جون ۱۹٦۷ مورد تعرض اسرائیل وا قع شدند، همواره به مساعی شان در راه از بین بردن آثار تجاوز ادامه میدهند.

مبارزه سیاسیو مبارزه مسلحانه در مناطق شغال شده افزایش می‌یابد وبه‌عامل مو ثری در این منطقه تبدیل می شود . جنبش مقاومت اعراب فلسطین بخشی از جنبش عمومی آزادی بخش ملی ضد امپریالستی ، ضد تبعیض نژادی و ضد تجاوز میباشد که جنبش‌مقاومت ضد نازیزم را بیاد می آورد .ذهنیت عامه بطور روزافزون سیا ست صیهونی حکمروایان اسرائیل را که به امپریالیزم خدمت می نمایند محکوم می کند .وی در عین زما ن‌به هیچ صورت سیاست صیهونی را با یهودیان از نظرمذهب و مبداء یکی نمی داند .

فیصله ۲۲ نومبر ۱۹٦۷ شورای امنیت که‌به اتفاق آراء به‌تصویب رسید یگانه راه حل ممکن سیاسی بحران شرق میانه را نشان میدهد. فیصله نامه شورای امنیت بیرون کشیدن عساکر اسرائیل را از تمام مناطق اشغال شده تقاضا میکند و تضمیناتی را برای‌حفظ حقوق‌وامنیت تمام‌ملتهاودول‌این‌منطقه تهیه‌میبیند. فیصله نامه شورای امنیت حقو ق مشروع مردم فلسطین را برسمیت می شناسد و اصرار میکند که‌باید پرابلم مهاجرین فلسطین بطور عادلانه حل گردد . دول عربی موافقت شانرا باین فیصله شورای امنیت اظهارداشتند. از جانب دیگر اسرائیل از اجرای این فیصله نامه شورای امنیت وهم ا ز فیصله ملل متحد را جع به بیت المقدس ابا می ورزد وبایـن صورت‌شرق‌میانه را باجنگ‌جدیدیکه امکان دارد صلح جهان رابه خطر اندازد ، تهدید می کند .

اشغال دو امدار مناطق مربوط به اعراب ازطرف‌اسرائیل منافع‌بسیاری ازکشور هائی راکه اقتصادیات‌شان باکانال سویز ارتباطدارد و سیا ست اسرائیل مانع باز شدن مجدد آنها میگردد متضرر می‌سازد.

کمیتهٔ رئیسه شورای جهانی‌صلح که از۱۱ تا ۱۳ نومبر ۱۹٦۸درلاهیتی واقع فنلند تشکیل‌جلسه داد از تمام مردم صلحدوست جهان در خواست می نماید که مساعی شانرا در راه تشریح حقایق راجع به وضعیت شرق میانه وچگونگی ارتباط آن با ستراتیژی امپریالیزم افزا یش بخشند وبه خلقهای عرب‌در مبارزه عادلانه شان کمك نمایند وافکارعامه جهان را به پشتیبانی از خواست خاص ذیل متحد سازند :

— در مرحله ول اجرای فیصله نامه ۲۲ نومبر۱۹٦۷ ، عقب کشیدن عساکر اسرائیل از مناطق تحت اشغال .

شورای جهانی صلح ،با در نظر داشتن تمام حقایق فوق الـذکر و جستجوی مساعی موثرتر بغرض دریافت حل‌صلحجویانه بحران‌شرق میانه ، پشتیبانی خودرا ازدایرشدن کنفرانس بین المللی دوم ، بغر ض حمایت از ملتهای عربی که از ۲٥— ۲۸ جنوری ۱۹٦۹ در قاهره انعقاد می یابد اعلان می دارد و دایرشدن این کنفرانس را وسیلهٔ‌ئی جهت سوق دادن وسیع ترین بخش های افکار عامهٔ جهان در جهت پشتیبانی مردم عرب وحقوق‌آنها و پیدا نمودن راه حل صلحجویانه و عادلانه می‌پندارد .

تقاضای شورای جهانی صلح از اسامبله جهانی صلح

سال ۱۹٦۹ مصادف با بیستمین سالگرد تاسیس جنبش جهانی‌صلح میباشد .افریدریك‌ژولیو کوری‌رئیس موسس جنبش جهانی صلح اعلا ن نمود:« هیچ ملتی ، هیچ فردی نمیتواند به‌تنهائی ازجنگ جلوگیری نماید .تنهامردمان‌تمام‌ملتهامیتوانند باعمل دستجمعی خود این مقصد را بدست آورند .»

ما بیست‌سال قبل اصول اساسی این جنبش را که بار ها تائید شده طرح نمودیم .

اصول مذکور عبارت انداز :

— منع قـرار دادن‌تمام اسلحه دارای قدرت تخریبی کتلوی‌و خاتمه دادن به مسابقه تسلیحاتی ، از بین بردن پایگاهای خارجی ، خلع سلاح عمومی همزمان و تحت کنترول ؛
— امحای همه‌اشکال استعمار و تبعیض نژادی؛
— احترام به حق حاکمیت و استقلال ملتها، بحیث‌یك امرضروری برای استقرار صلح ؛
— احترام به‌تمامیت‌ارضی‌دولتها ؛
— عدم مداخله درامور داخلی ملتها ؛
— استقرار مناسبات متقابل مفید در ساحات تجارتی و فرهنگی مبنی بر دوستی و احترام متقابل ؛
— همزیستی مسالمت آمیز بین دولتهای دارای سیستم های‌سیاسی مختلف ؛

(ص٤)

درد دل مردم

یك نامهٔ سرکشاده ازمامورین وزارت زراعت

«بجریده مو قر پر چم !

از آنجاکه طرز برخورد واقع‌بینانهٔ پر چم باوقایع‌وحوادث‌بی شماردداخلی وبین‌المللی ، تحلیل‌ونتیجه گیری‌های درست آن ازین‌وقایع‌وحوادث، مبارزهٔ بیگیر وبی امانش با دشمنان خلقهای زحمتکش افغانستان، دفاع دلیر انهٔ آن از منافع‌ملی کشور عزیز، خصوصیت آشتی ناپذیری‌اش با ستمگران‌داخلی واستعمارچیان‌کهنه ونو، دفاع سر سختانهٔ آن از حق وعدالت‌وبالاخره‌بیکارخستگی‌ناپذیرش در راه تا مین دموکراسی، رفاه‌عمومی استقلال و اقعی، تر قی وصلح بر ما مسلم گردانیده است که پر چم واقعا ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان ووارث بالاستحقاق سنن پر افتخار مبارزات طولانی فر زندان رشید این مرز وبوم مرد خیزمیباشد.

بنابر آن ما (یکتعداد مامورین‌پایان رتبهٔ وزارت زراعت وآبیاری) لازم دانستیم که مطلب آتی را به صورت خیلی مختصر در قید تحریر آور ده به آن جریدهٔ محترم بفر ستیم .

به تعقیب وقوع حریق مد هش و غیر مترقبه در کاخ‌تاریخی دارالامان مقا مات حکو متی افغانستان به عقیدهٔ خود گویا تصمیم گرفته اند که دیگر آتش سوزی را در کلیه‌ابنیهٔ تاریخی (اگر باقی مانده‌باشد) وعمارات‌دولتی مو قوف (!) سازند. البته که این تصمیم حکومت ازلحاظ شکل«عاقلانه» محسوب میگردد و ما به آن اعتراضی نداریم و ا ما شکل تطبیق این فیصله وتصمیم از طرف مقا مات ذیصلا ح وزارت زراعت وآ بیاری در محوطهٔ وزارت مذکور قابل توجه میباشد .

وزارت زراعت وآبیاری مطابق به‌[illegible] مقام بالا، مکتوب‌متحدالمالی عنوانی کلیه ریاست خانه ها صادر و در آن اکیداً متذکر شده اند که برای حفظ عمارات وزارت زراعت هر شب سه نفر مامور (نوکر یوال) به ترتیب تعیین و این سه نفر مو ظف کردند تاشب‌را بدا خل وزارت سر آورده، مانع وقوع حریق احتمالی و حوا دث ناگوار وغیره (!) گردند .

این تجویز وزارت زراعت وآبیاری عملی نیست زیرا: دفاتر و ملحقا ت وزارت زراعت وآبیاری مشتمل بر بیست الی سی عمارت یك الی چهار طبقه یی میباشد که جدا از هـم، در هر کنج‌وکنار واقع‌گردیده‌اند، باین ترتیب که‌عمارات وزارت مو صوف از حدود مشترك پو هنتون وشفا خانهٔ علی‌آباد تاساختمانهای (جمال‌مینه) را اشغال کرده است که کثر ت ساختمانها از یکطرف وطرز وقوع نا منظم آنها از جانب دیگر هر بیننده را در نگاه اول گیج وسر در گم می سازد. این ساختمانهاکه اکثر بدون نقشهٔ دقیق اعمار گردیده اند، از نظر تعداد وطرز وقوع نا منظم شان در ساحهٔ تعمیر سازی (کوبیسم) خاصی رابو جود آورده اند .

گذشته از آن محو طهٔ متعلق به وزارت زراعت وآبیاری، محوطه‌ایست بی در وپیکر که صرف نظر از بعضی نقاط آن، عبور از سایر قسمت‌ها،کار چندان مشکلی نمی باشد.

اکنون قضاوت بشما : آیا سه نفر نوکریوال ولوهم بسیار «تندرست»و «تندرو» باشند بازهم‌خوا هندتوانست که مانعی در برابر وقوع حریق و سرقت ایجاد نمایند ؟زیرا ازبکسو وسعت ساحهٔ وزارت که د هها‌جریب زمین را احتوا میکند و از سوی دیگر پراگندگی بیش از حد عمارات، نظارت وپهره داری دقیق‌را مشکل وحتی نا ممکن می سازد .

روشن است اگر نوکریوال نتوانند (نه‌تنها سه‌نفر بلکه بیشتر ازسه‌نفر نیز) ساختمانها را دقیقاً کنترول و نظارت نمایند، پس‌درین‌صورت نه‌وقوع حریق ونه وقوع سرقت هیچکدام منتفی نمیگردد، بلکه یگانه چیز یکه منتفی میگردد وبایدهم‌گردد، موضوع نوکریوالی خوا هد بود وبس .

سوالیکه درینجا باید مطرح گردد اینست که چرا اراکین وزارت زراعت وآبیاری دست به‌چنین‌اقدا می‌زده‌اند؟ جواب این سوال را میتوان بیك جمله خلاصه کرد: رفع مسؤولیت از خود وافگندن آن بدوش مامورین فقیر و پایان رتبه .

این مو ضوع را همهٔ مامورین درك مینمایند که تحمیل نوکریو الی شب بالای آنان نه تنها غیرقانونی بلکه یك امر فوق‌العاده خطر ناك و پر مسؤولیت میباشد .

جنبهٔ حقوقی مسأله کا ملا رو شن است وحاجت‌به توضیح مزید ندارد. درینمورد کافیست گفته شود که مامورین ملکی در برابر معاش معین، وظایف معینی را، که‌قانون آغازوانجام آنرا مطابق فصول سال صرا حةً‌تعیین میدارد، اجراء مینمایند. در بعضی موارد خاص مثلا اگر کار یك شعبه ویایك واحداداری‌عقب میماند، مامورین آنرا درمقابل پر داخت حق‌العمل‌معین به (شبکاری) دعوت مینمایند و مبلغ معین شبکاری‌را برایشان میپر دازند، در غیر آن‌مامورین ملکی بعد از ختم ساعت رسمی کار درینمورد ازهرنوع مسؤولیت مبری هستند .

ناگفته نماند که چه این پیشنهاد قبول وچه ردگردد، ولی ما بصدای بلند‌میگوییم که‌این اقدام‌وزارت‌زراعت وآبیاری (!) مخالف قانون وغیرطبیعی است،زیرا وظیفه امنیت به عهد هٔ وزارت داخله است که ملیونها افغانی دسترنج مردم بـه‌نام بـود جهٔ آن ودهها شبکهٔ‌دیگر مخالف منافع خلق بهدر صرف میگردد.

* * *

مردم علیه بیگار فریاد میکشند :

چندی قبل والی جوز جان باعده‌ئی از متنفذین ولایت جوز جان مجلسی تر تیب و اعلان کردند که ا هالی شبر غان(!) سرك شبرغان رابصورت همکاری (!) ترمیم میکنند، یکی از دو ستان بما نوشته است که:«خلاف قانون اساسی‌عمل‌میکنندوبا!بتکاریکه خاصهٔ‌بیرو کراتان است نام«بیگار» را «همکاری »میگرازنه وباکی ازروز باز خواست ندارند .»

قرار معلوم ا هالی شبرغان فریاد میزنند:«ما بیگار راقبول نداریم!» ا ما تاکنون بیداد بر فریاد غلبه دارد ووعدهٔ چند تن «چکمن‌سپید» که خود از هر گونه کار اجباری‌معافند، درنزد بیرو کراتان معنای «قبول» مـردم‌را دارد .

* * *

دربرابردهقانان دسیسه میکنند:

در اثر فشار و مطالبهٔ طولانی دهقانان، دولت قیمت پخته رابرای سال جاری از (٥۰) افغانی به (۷۳) افغانی بالا برد، یعنی شرکت های صادر کنندهٔ پخته مکلف شدند تا در برابر یکسیر پخته سورت اعلی(۷۳) افغانی بپردازند. یکی از زارعین پخته کار شبرغان درین مورد نوشته است: «تاامروز (۳جدی)در نمایندگی های سه شرکت بزرگ پولی‌بمنظور خریداری پخته نرسیده است. تمام خر یداری شرکت ها که قبل بر ین صورت گرفته ازسه‌صد هزار افغانی تجاوز نمی کند.این‌خریداری بتناسب سالهای گذشته خیلی وخیلی نا چیز است. معنای نه خریدن پخته آنست که د هقانان کم ز مین و اجاره داران بی ز مین در اثر فقدان تقاضا حاضر خوا هند شد که پخته رابه همان‌قیمت گذشته عرضه کنند.»

پرچم: اینست معنای اصلاحا ت طبقات حاکمه (!)

* * *

فقدان پترول ومصالح مردم

را بخطر اندا خته است :

دو ستی از ولایت جوز جان نوشته میکند: «قلت شدید پترول و دیزل‌در تانکهای ولایت‌جوزجان باعث‌مشکلات زیادی برای مردم گردیده است.» او این مشکلات را چنین شمرده است:

«—کرایه‌های موتر که‌قبل‌برین از (٥) الی (۱۰) افغانی بود، اکنون به ٤٥ افغانی رسیده است وبصو ر ت مشخص کرایه مو تر از شبر غان‌الی مزار شریف که قبلا (٦۰—۷۰)افغانی بود، اکنون به ۱٥۰—۲۰۰ و اخیرا به ۳۰۰— افغانی رسیده است .

—چون ماشین تولید برق شبرغان بادیزل کار میکند،برق شهر قطع‌شده و ا هالی در تاریکی مانده اند .»

از(ص ۲)

هنر و نقش آن در زندگی ...

را،که دیگر تغییر کرده ودرست در جهت مخالف منافع طبقهٔ حا کمه درحال زوال سیر میکند ، بدرستی انعکاس دهد، لذا بیماراست، مگر برودی نمی‌میرد وبرای بقای خویش ودفاع از منافع طبقهٔ حا کمه، در برابر رشدسر سام آور وآهنگ سریع تسلط طبقه جدید . با استفاده ازکلیه وسایل تأثیر ایدئو لوژیکی که‌در اختیار دارد مانند :مطبوعات، تیاتر ،سینما ، رادیو ، تلویزیون وغیره براه زنی‌وسم‌پاشی‌می‌پردازد. واقعیات راتحریف‌میکند ، آرایشگر آن میشود وبر آن پیرایه‌های‌فریبنده می‌بندد، دروغگو،لاف‌زن، سالوس متصنع ، هوسباز،ثناخوان ومدیحه‌سرا، سفسطه‌ساز وتوهم بر ست و گمراه کننده می شود . به‌ناموس تکامل از جی نمی نهد ، «دیدشخصی هنرمند » و«آزادی هنر مند»را‌مطلق میکند ودر برابر آن‌به «وصف‌عینی واقعیت » و«نظارت اجتما عی»در هنر مجنونانه‌پشت پا می زند ،تاتوانسته باشد طبقات محکوم‌واستثمارشونده، ولی‌محرکین واقعی تکامل زند گانی اجتماعی راازنظرایدئولوژیکی خلع سلاح کند و توجه‌واحترام آنانرا از وظایف انقلابی و نیروی عصرآفرین ودورانساز طبقهٔ شان که‌واقعیتست سر سخت وانکار نا پذیر،به انعکاس غیر عادی وتحریف شده وا قعیت، توهم وفرد بر ستی معطوف سا زد وبالاخره باایجاد و نضج عنصر وهم وخیالپروری ،خودخواهی وتجمل — پسندی، هو سبازی وهر دم خیالی درایشان ، از اتحاد و مبارزهٔ آنان دربرابر طبقات حا کمه تا ریخزده و استثمار گر جلو گیری بعمل آورد. چنانکه همین اکنون هنر ار تجاعی بورژوائی که از حر کت در جهت تکامل عینی زند گانی اجتما عی باز مانده،در مو ضع‌خد مت باستحکا م پایه های لرزان نظام متزلزل امپر یا لیستی تو قف کرده است ومدبو حانه تلاش میور زد رو حیهٔ اتحاد ونیروی مبارزه طبقهٔ کار گرو خلق زحمت کش را در درو ن‌جوامع سر ما یه دا ری خفه کند واعتماد آنها را نسبت برحمت کشان‌کشور های دیگر تضعیف نمایند، صفات نکو هیده و عدم‌احترام بمنافع واز توده ها را درآنان برانگیزد.

باوجود این ، در انبوه‌پدیده ها ی هنری هر دوره ،در جوامع طبقاتی میتوان به‌آثار فنانا پذیر ی بر خورد که از لحاظ مضمون خود میتوا ند خصو صیات جاودا نی ومتعلق بتمام بشریت راکه در دور انهای مختلف حیات‌اجتماعی‌جزءهستی‌انسانهاست، بد رستی ورو شنی منعکس‌سا زد. آثاری وجوددارد که‌با مطالعهٔ آنـهـا میتوان ما هیت دورا نها و طبقا ت مختلف رادرك کرد مانند : حجاریها ومجسمه سازیهای یونان باستا ن، شهکار های نقاشی دوران رنسانس ارو پا و...که قرنها ست در گنجینهٔ فر هنگ بشری مقام ار زندهٔ خودرا حفظ کرده اند .

بهترین وپیگیر‌ترین‌حافظ وتکامل دهندهٔ میراث معنوی گذشته ، طبقهٔ پیشتاز کا رگر است که منافع آن‌با جریا ن تکا مل عینی وا قعیت کا ملا انطباق دارد وباایجاد ایدئو لوژی واز آنجمله هنر خو یش ، نه تنها دستاوردهای گذشته فکر بشری را مر دود نمی شمارد ، بلکه آنرااپا یەو اساس تکامل هنر خود قرارمید هد وبابرخورد نقادانه بآن،عنا صرزنده وفعال ، متحر ك وبامتن آنرا بخدمت غنا وانکشاف‌پدیده‌های هنری دوران خود،می گمارد و تما م آنچه‌راکه از گذشته‌زیبا ومتر قیست در خـود حفظ میکند .درهمین‌جاست‌که پهلوی دیگر و مثبت **استقلا ل نسبی** هنر بهتر از هر دو ره‌دیگرمتبارز میگردد وآن **ادامه‌کاری** وتکامل آنست.

جهت دیگر و خیلی هم متحر کتر استقلال نسبی‌هنر دراینست کـه درشرایط معینی میتواند بر تکا مل زندگا نی اجتما عی **سبقت** جوید .

این نتیجه کار دقیق هنر مندژرف‌کاو وژرف اند یشی است که وظیفهٔ خو یش رادر قبال حیات اجتما عی بد رستی درك کرده است وهنر ش جا معه رادر مسیر آینده تکا مل، بسوی افقهای وسیع وپرفروغی که برای اشخا ص عادی قابل ر ؤیت نیست فرا میخوا ند ، هنر مند یکه قانو نمندی تکا مل طبیعت و جا معه را دقیقا درك کرده است و آینده انسا نراباساس این درك ،وتسلط بر قوانین طبیعت وجا معه د رجهات عمومی تکامل تاریخی بروشنی و صدا قت، زیبا و ظریف تصو یر وتمثیل میکند وهمه رابا‌گر می ومحبت ، صمیمانه بسوی آن دعو ت مینما ید .

واما :

هنرمند در جا معهٔ طبقاتی وقتی میتواند بچنین سلا ح نیرو مند و قدرت متحرکه خلاق مجهز شود که جهانبینی‌علمی‌متحر کترین‌وپیشروترین نیروی اجتماعی ،یعنی طبقهٔ کار گر وخلق زحمت کش را ملاك احساس ورهنما ی اندیشهٔ خویش‌قرار دهد وبجها ن ووا قعیتها ی عینی آن از نظر گاه ایدئولوژی‌این طبقهٔ‌جهانساز نگاه کند، آنرا‌عمیقانه‌ودرست‌انعکاس دهد.هنرش باخلق کار گر و کار وزندگی اورابطه ئی نا گسستنی اورگانیك برقرارنماید و در جهت منافع طبقهٔ کارگروتمام زحمت‌کشان ،موضعگیری استوار وخلل نا پذیری داشته باشد وا ز گنجینه ها ی هنری گذشته ، آنچه عا لی و متر قیست برگزیند واینهمه راباسنتهای مترقی فر هنگ بشری و فریحت و ذ وق ایجاد گر و نو آفرین‌خو یش تر کیب وبجامعه تقدیم کند .آنگاه میتواند باغرور سالم یك هنرمند پیشرو و بجر أت ادعا نما ید که هنرش‌خلا ق وپیشآ هنگ وسا زنده است ،بخلق تعلق دارد وریشه های عمیقش از قلب توده‌های وسیع‌زحمت کشان‌آب میخورد ، برای توده ها قابل درك ومحبوب است ، احساس ، فکر و ارادهٔ توده‌هارا متحد ساخته‌وآنهارا بدرجه بالاتری ارتقا میدهد

این بود تألیفی بس فشرده و ار تجا لی از نظرا ت علمی متر قی، دربارهٔ هنر و نقش آن در زند گی ومبارزهٔ اجتما عی ، بر مبنای جهان‌بینی علمی . امید است در آینده مبتنی برین مقدمه، که برای درك مسایل اجتما عی‌هنرضروری شمرده میشود، ازانباسامانی هنر در کشور خویش وعوا مل اجتما عی آن سخن گو نیم .